

تصویر یک قاضی

یکی از نکات کلیدی مجموعه «آقای قاضی» یادآوری این نکته است که هنوز حوزه‌های فراوانی با قابلیت‌های دراماتیک فراوان برای پژوهش در مقابل سازندگان مجموعه‌های تلویزیونی وجود دارد. «آقای قاضی» یک مجموعه قضایی است که در هر قسمت آن، دو پرونده بر مبنای ماجراهای واقعی دراماتیزه شده‌اند. شخصیت محوری ماجرا یک قاضی است که نقش او را بهزاد خلج به‌شکلی ماهرانه ایفا کرده است. این مجموعه هر هفته، پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها از شبکه دو پخش می‌شود. به بهانه نمایش مجموعه «آقای قاضی» و بازخوردهایی که دریافت کرده، با سجاد مهرگان کارگردان و بهزاد خلج بازیگر این مجموعه گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

سید آریا قریشی

گفت‌وگو

سجاد مهرگان:

مردم تیتروهای ژورنالیستی نیستند

سجاد مهرگان کارگردان جوان در «آقای قاضی» که اولین تجربه وی در مقام کارگردانی سریال است به مخاطب این را نشان داده است که دغدغه پرداخت واقعی به مسائل و مشکلات مردم را دارد و این موضوع می‌تواند بایی باشد برای دیگر کارگردانان تا برای ساخت ایده‌های خود با تحقیق و پژوهش درست بتوانند جسارت کنند تا هم کاری متمایز و حرفه‌ای بسازند و هم اینکه ایده خود را عملی کنند.

شاید یکی از دلایل دیده‌شدن «آقای قاضی» و بازخوردهای عموماً خوبی که گرفته این باشد که وارد فضاهایی شده است که در مجموعه‌های تلویزیونی کمتر دیده‌ایم یا حداقل از زاویه‌ای به قضیه نگاه می‌کند که از آن زاویه به ماجراها توجه نشده است. شاید ما درام دادگاهی داشته‌ایم اما مجموعه‌ای که پرونده‌های متنوع قضایی را بررسی کرده است و انتخاب‌هایش یک‌طرفه نباشد کم داشته‌ایم یا نداشته‌ایم. فکر می‌کنید این امر در دیده‌شدن سریال نقش داشته است؟

وقتی وارد عرصه دادگاه و موضوعات قضایی می‌شوی، این خطر وجود دارد که شبیه قاطبه فضای سینمای ایران بشوی. سینمای ایران به گزاره‌هایی که مردم دچارشان هستند عموماً به‌عنوان یک تیترو نگاه کرده و شبیه ورق زدن صفحات حوادث می‌شود.

می‌توانیم این‌طور بگوییم که به همان اخبار اکتفا کرده و از آن فراتر نمی‌رود.

بله. متأسفانه سینمای ایران سینمایی است که به مردم بیشتر به‌عنوان یک تیترو ژورنالیستی توجه می‌کند و نه به دغدغه‌های واقعی‌شان مثل مشکلات آپارتمان‌نشینی، مشکلات راهنمایی و رانندگی، موضوعات مربوط به وراثت و موضوعاتی که هر روز در اجتماع با آن‌ها درگیر هستند و جوابی برای آن مشکلات ندارند. این خطر وجود داشت که ما هم در این ورطه بیفتیم، اما سعی کردیم از آن تیتروها و فضا سازی‌ها که به‌نظرم به کمک مردم نمی‌آید و علیه مردم است، دوری کنیم. آن فضا سازی‌ها نه مردم را سرگرم می‌کند و نه آموزشی به آن‌ها می‌دهد. در نهایت چنین مواردی بیشتر گزاره‌های سیاسی‌اند. خودت می‌دانی که فضای سینمای ایران پر از گزاره‌های سیاسی شده است. ما خیلی سعی کردیم به این ورطه نیفتیم. فکر می‌کنم اقبال نشان داده شده از سوی مردم هم به همین خاطر است. مردم دارند موضوعاتی را می‌بینند که هر روز با آن‌ها درگیرند.

از همان ابتدای تحقیق چنین رویکردی داشتید یا در حین تحقیق تصمیم گرفتید که موضوعات روزمره را محور کار قرار دهید؟

خیلی از این پرونده‌ها را از قضاوت برجسته در قوه قضاییه گرفتیم. در روزهای اول وقتی از آن‌ها در خواست پرونده‌های جذاب می‌کردیم، به‌خاطر فضا سازی رسانه‌ای پرونده‌هایی در مورد (مثلاً) تجاوز به ما معرفی می‌کردند، اما می‌گفتیم این‌ها موضوعات «حاد واقعات» هستند. درست است که در جامعه رخ می‌دهند و نمی‌شود انکارشان کرد اما در عین حال موضوعات تکرار شونده و اساسی برای جامعه نیستند. بیشتر موضوعات

پیش آمده، خیلی ساده‌اند و ممکن است اصلاً به آن‌ها توجه نکنیم اما در زندگی مان وجود دارند. من چیزی حدود ۳۰۰ پرونده را برای ساخت این سریال خواندم. صادقانه بگویم که جذاب‌ترین موارد، همان موضوعات زمینی و عمومی هستند. موارد دیگر، موضوعات عموماً حادی هستند که بیشتر گزاره خبری‌اند و زیبایی شناسی ندارند. چیزی از خرده‌فرهنگ‌ها در آن‌ها نیست. آن موارد بیش از آن که روی فطرت انسان تمرکز کنند روی امیال حیوانی تمرکز می‌کنند و بنابراین موارد حاد غیر انسانی هستند. سینمای ایران متأسفانه خیلی روی این موارد تمرکز می‌کند. البته نمی‌گویم نباید چنین باشد اما این که با این حجم به این موارد می‌پردازیم محل بحث است.

یا این که اصلاً سراغ مسائل دیگر نمی‌رویم.

دقیقاً. تلاش ما این بود که جایی بایستیم که کارمان نه به گزاره خبری تبدیل شود و نه به یک زیبایی شناسی صرفاً خام بسنده کند. سعی کردیم بین زیبایی شناسی و واقعیت رابطه‌ای برقرار کنیم.

یکی دیگر از نکاتی که به کار کمک کرده، بحث لحن است. بعضی از پرونده‌ها فضای ملتهب‌تری دارند و برخی دیگر در فضایی دوستانه‌تر حل می‌شوند. از طرف دیگر، گاه وسط بحث‌های ملتهب با ایده‌های کمیکی روبه‌رو می‌شویم که به فضا سازی کمک می‌کند. یک نمونه خوب، بازی با نام شهرام جعفری و شهرام جزایری در یکی از پرونده‌ها است. این تمهید در عین پیش‌بردن موضوع، فضا را هم تلطیف می‌کند. این تنوع لحن چگونه به دست آمد؟ از مرحله فیلمنامه در کار بود؟

در بازی گرفتن از بازیگرها فرآیندی پیچیده بودم که طبق آن پیش می‌رفتیم. نکته اول این بود که بازیگر باید شخصیت نقش را بشناسد و ابعادش را درک کند. برایم بسیار مهم بود که هر کدام از نقش‌ها روان شناسی خود را داشته باشند. خیلی تلاش کردیم که تیپ‌نسازی. بعد از این که به شخصیت‌ها عمق دادیم، به همان حرفی می‌رسیدیم که تودزی. یعنی در مورد لحن صحبت می‌کردیم. مثلاً بازیگر به این نتیجه می‌رسید که کاراکترش «بچه تهرون» است. این بچه تهرون بودن خرده‌فرهنگ‌هایی هم در دل خود دارد. از طریق آن، به لحن بازی می‌رسیدیم.

یعنی این جزییات لحن متعلق به بعد از نگارش فیلمنامه بود و برخی از دیالوگ‌ها را خود بازیگران بر اساس آن پیش‌زمینه‌ای که ساخته بودید بداهه پردازی می‌کردند؟

بله. ولی نه توسط خود بازیگر و در لحظه. ما نه بداهه‌های سر صحنه بلکه بداهه‌های تمرین شده داشتیم یعنی آن قدر تمرین می‌کردیم که شخصیت و لحن در ناخودآگاه بازیگر بنشینند. یکی از تعاریفی که در مورد «آقای قاضی» زیاد شنیدم و از آن لذت بردم این بود که مخاطب احساس می‌کند هیچ فیلمنامه‌ای نوشته نشده است. در صورتی که تک‌تک دیالوگ‌ها نوشته شده است. شما حتی با یک آوای غیر نوشتاری در این کار مواجه نمی‌شوید. ما سعی کردیم با تمرین‌های زیاد، شخصیت را وارد وجود بازیگر کرده و از ناخودآگاه بازیگر استفاده کنیم.

گاهی اوقات مخاطب با خودآگاه بازیگر روبه‌رو می‌شود یعنی می‌فهمد که بازیگر فلان جمله را به‌عنوان کاشت گذاشته تا بعداً آن را برداشت کند. من این ویژگی را از بازیگران می‌گرفتم. در مرحله بعد هم سعی کردیم به بازیگر کمک کنیم تا به موقعیتی توجه کند که شخصیت در آن قرار دارد. ترکیب شخصیت، لحن و موقعیت به‌نظم باعث شده که وقتی سریال را نگاه می‌کنی، احساس کنی لحظاتی ساخته شده که در دل التهاب، فضا می‌تواند تغییر کند و باورپذیر به‌نظر برسد.

برای باورپذیر شدن شخصیت اصلی، چه تصویر یا ویژگی‌هایی از شخصیت قاضی را برای بهزاد خلج مطرح کردی؟

بهزاد خلج زمان زیادی را با قضاوت گذراند. با هم بیرون می‌رفتند. مثلاً به تئاتر یا رستوران می‌رفتند. به بهزاد گفتم به لحن، فراز و فرودهایی که قاضی در بیان کلمات دارد، توجه کند. بهزاد خلج الان کلاژی از قاضی‌هایی است که می‌پسندیدیم. لحظه‌عصبانی شدنش شبیه یک قاضی است، لحظه تکیه بر کلماتش شبیه یک قاضی دیگر، بازی با دست، آواهاش و به همین ترتیب. بهزاد با استعداد خودش تمام این‌ها را آورد.

بهزاد خلج:

سعی کردیم قاضی را واقعی نشان دهیم

نقش آفرینی بهزاد خلج را می‌توان یکی از غافلگیری‌های «آقای قاضی» دانست. خلج که در آستانه چهل سالگی وارد عرصه بازیگری شد، نزدیک به یک دهه است که به‌عنوان بازیگر فعالیت می‌کند اما شاید «آقای قاضی» را بتوان نقطه عطفی در مسیر بازیگری‌اش دانست. او با این مجموعه نشان داد که می‌تواند پیچیدگی‌های کاراکتر حساسی مثل یک قاضی را به‌شکلی متقاعدکننده از کار در آورده و بار جذابیت یک مجموعه تلویزیونی را به دوش بکشد. قابل انتظار است که از این به بعد نام بهزاد خلج را در تعداد بیشتری از آثار نمایشی بشنویم. باز خوردهایی که مجموعه «آقای قاضی» کسب کرده و موفقیت بهزاد خلج، بهانه‌ای شد تا پای صحبت‌های او با روزنامه صبا نشستیم و در مورد مسیری که تاکنون طی کرده است و پیچیدگی‌های بازی در نقش یک قاضی با او گفت‌وگو کنیم.

علاقه به حوزه نمایش و سینما از کجادر شما شکل گرفت؟

من در یک خانواده سینمایی بزرگ شدم. پدرم کارمند سالن سینما بود. آن‌طور که خودش می‌گوید، کمی پس از تولد من تصمیم گرفت کار خود را از تقا دهد. بعد از آن مدتی مسئول اصلاح رنگ و نور استودیو فیلمساز شد و سپس به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت. همچنین در خانه‌مان دائماً با آپارات فیلم نگاه می‌کردیم. خیلی از روزها هم با پدرم به کانون پرورش فکری رفته، پشت صفحه مویلا نشستیم و فیلم و انیمیشن نگاه می‌کردیم. این علاقه در من ریشه دوانده بود. جالب است بدانید که مادر من از کودکی همیشه به من می‌گفت وقتی بزرگ شوم گوینده خیلی خوبی شده و وارد صداوسیما خواهم شد.